

تاریخ هفدهم شهریور یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت

تیراندازی بسوی مردی که شعار مرگ بر خامنه ای می داد

یک شهروند میانسال در قم توسط نیروهای لباس شخصی هدف گلوله قرار گرفت. ظهر امروز ۱۷ شهریورماه، فردی میانسال (۳۵-۴۰ ساله) که به همراه همسر و فرزند خردسال خود در خیابان ۱۹ دی شهر قم با ماشین سواری پراید (مدل ۱۳۳) به سمت کمربندی کاشان در حال حرکت بود توسط عده ای از نیروهای لباس شخصی که سوار بر اتومبیل پژو (مدل جی ال ایکس) بودند دستگیر شد. عوامل لباس شخصی پس از توقف در مقابل اتومبیل فرد مزبور و سد راه وی با ضرب و شتم در مقابل همسر و فرزند خردسال ایشان سعی کردند وی را به داخل اتومبیل خود منتقل کنند که با مقاومت و اقدام به فرار این فرد، توسط عوامل لباس شخصی با تیر اندازی مستقیم در بین جمعیت از ناحیه کتف هدف گلوله قرار گرفت. نامبرده پس از اصابت تیر در حالی که به سر دادن شعارهای سیاسی منجمله " مرگ بر خامنه ای " می پرداخت توسط نیروهای لباس شخصی به همراه خانواده اش به داخل خودروی مزبور برده و نهایتاً به نقطه نامعلومی منتقل شد. لازم به ذکر است هویت و اتهام شهروند مذکور و همچنین نهاد و رشته نیروهای لباس شخصی مشخص نیست، اطلاعات تکمیلی اعلام خواهد شد.

تشدید فضای خفقان و سرکوب در شاهرود

بنا بر خبریاریافتی از شاهرود ، پلیس با گذاشتن مجدد پلیس ارشاد به آزار واذیت جوانان پرداخته است به طوری که با افزایش مجدد گشت ارشاد در سطح شهر به بسیاری از جوانان گیر میدهند و آنها را جلوی دیدگان مردم تحقیر وکوکچ میکنند .در این میان دختران با شدت بیشتری مورد حمله وهجوم قرار میگیرند.

بگیر و ببند و احضارها در آستانه روز "قدس"

در آستانه آخرین جمعه ماه رمضان که نظام آن را روز جهانی قدس نامگذاری کرده احضار رهبران تشکلهای صنفی و اجتماعی و فرهنگی توسط نهادهای امنیتی در استان کردستان آغاز شده است. نهادهای امنیتی در این احضارها آنان را به اجتناب از همراهی با طرفداران موسوی و معترضان به انتخابات ریاست جمهوری که قرار است همزمان با روز جهانی قدس راهپیمایی برگزار کنند دعوت می کنند .

گفته می شود در این احضارها از مسوولان اتحادیه و مجامع صنفی تعهداتی مبنی بر جلوگیری از همراهی کسبه و بازاریان در راهپیمایی روز جهانی قدس اخذ می شود. نهادهای امنیتی بخاطر تعطیلی مراکز دانشگاهی اکثر تلاش خود را معطوف به بازاریان و کسبه شهرهای کردستان از جمله سنندج ؛ مریوان و سقز کرده اند تا مانع از شرکت آنان در راهپیمایی معترضین در روز قدس بشوند. از سوی دیگر سازمان بازرگانی کردستان نیز از طریق تشکیلات بازرسی خود اقدام به احضار بازاریانی که به نارضایتی از سیاستهای نظام مشهور هستند نموده و با تشکیل پرونده های کلان و جعلی بازرسی برای اخذ جرایم سنگین ؛ آنان را وادار به تسلیم و شرکت نکردن در راهپیمایی روز قدس می کنند.

صف آرائی مردم و سپاه برای راهپیمایی روز قدس
جنازه چند بسیجی کشته شده در کردستان را می خواهند در روز قدس در تهران تشییع کنند، و از هم اکنون فرمانده کل سپاه پاسداران از کشته شدن بسیجی ها در تظاهرات سخن گفته است .

صف آرائی مردم و سپاه برای راهپیمایی روز قدس

در جریان تظاهرات مردم معترض به کودتای انتخاباتی و آتش گشودن کودتاچی ها به روی آنها 178 نفر از بسیجیان پایگاه شهدای 15 خرداد با فرمان آتش مستقیم به روی مردم شرکت کردند. در همین حال تعدادی از آنها که البته رتبه هایی همردیف پاسدار داشته اند نیز برای سرکوب هموطنان کرد به این مناطق فرستاده شده بودند. تعدادی از این افراد جمعی شرکت آبفای جنوب شرقی بودند . برای همین نیز نماینده وزیر نیرو برای تقدیر از نقش بسیجی ها در جریان انتخابات به فرمانده آنها جایزه داده است .

آنها که در تهران بودند در کشتار مردم، دستگیری ها، تیغ کشی ها، چماق کشی ها و قمه زنی ها به خدمت گرفته شدند . از میان آنها که به کردستان اعزام شده بودند چند نفر در درگیری های مسلحانه کشته و شماری زخمی می شوند. جسد ها حدود ده روز پیش به تهران انتقال داده شد و در سردخانه میوه گوشت واقع در جاده شاه عبدالعظیم نرسیده به شهر ری نگهداری شد .

برای اعلام دلیل کشته شدن این افراد بحث های فراوانی انجام شد. ابتدا این نظر غالب بود که اگر کشته شدن آنها در کردستان را اعلام کنیم ضعف سپاه و بسیج را در منطقه نشان داده ایم. سرانجام نظر احمدی نژاد و بیت رهبری بصورت واحد اینگونه ابلاغ شد که کشته شدگان بعنوان کشته شدگان بدست مردم اعلام شوند. یعنی بگویند اینها همه بدست معترضین انتخابات کشته شدند. درحالیکه آنها در درگیری های نظامی کشته شده بودند و ارتباطی به تظاهرات و اعتراضات مردم نداشت .

گفته می شود که نارضایتی بسیار بالایی در سطح بسیج گسترش یافته است . نظام در این مدت سرگرم خاموش کردن اعتراضات بسیجی ها و خانواده های آنها بوده است. سردار جعفری اعلام کرد که بسیج 20 کشته داشته است. البته او نگفت که این کشته ها مربوط به درگیری های نظامی در منطقه بوده است و نه درگیری با مردم بی سلاح و معترض به نتیجه انتخابات .

در روزهای آینده قرار است این اجساد را مانند اجساد قربانیان جنگ با عراق نمایش دهند و به مردم وانمود کنند که اینها نتیجه کار موسوی و خاتمی و هاشمی است. این نمایش با هدف خاموش کردن موج نارضایتی در بسیج و کاشتن تخم کینه و انتقام در بسیج و سپاه علیه این سه شخصیت است، زیرا مردمی که هولناک ترین صحنه های سرکوب را در خیابان ها دیده اند، از کشته شدن این افراد ناراضی نیستند . شاید جنازه ها را در روز قدس بخواهند تشییع کنند تا نماز جمعه هاشمی رفسنجانی را هم به نفع خود مصادره کنند و با به خیابان آوردن بسیج مردم را هم بترسانند تا در باره انتخابات شعار ندهند.

تاریخ هفدهم شهریور یک هزار و سیصد و هشتاد و هشت

دولت خواهی سوسیالیستها

آیا تنها راه رسیدن به سوسیالیسم کسب قدرت دولتی است. ظاهراً که اینگونه است چون هم سوسیالیستهای رفرمیست (لیبرالهای چپ) و سوسیالیست های رادیکال (انقلابیون) متفق القولند که در اختیار داشتن نهادهای دولتی تنها راه ممکن برقراری سوسیالیسم در جامعه است. تفاوت این دو گرایش در اینجاست که رفرمیست - سوسیالیستها فکر می کنند با کسب اکثریت در نهادهای دولتی و شرکت در پروسه انتخابات - گیرم دموکراتیک - قادرند قدرت موجود دولتی را در اختیار بگیرند و با سوسیالیزه کردن تدریجی تولید به هدف استراتژیک خود که همانا برقراری سوسیالیسم است برسند. اما رادیکالها این شیوه را قبول نمی کنند و هدف کسب قدرت دولتی را با توسل به شیوه های انقلابی و گاهها قهرآمیز دنبال و گمان می کنند اگر به جای فرد سرمایه داری که کنترل و هدایت کارخانه را به عهده دارد، مدیر دولت سوسیالیستی بر سر کار بیاید مشکل کارگران حل خواهد شد.

هر دوی این تفکرات در پاره ای از کشورهای جهان عملی شده اند و اتفاقاً در عمل نشان داده اند که به جای نابودی سیستم سرمایه داری به همزیستی و انطباق با آن می پردازند و نظام مبتنی بر کارمزدی را به اشکال دیگر ادامه می دهند. با توجه به تجارب حاصل شده سوسیالیستها راه حل دیگری برای حل این معضل ارائه کرده اند که آن خرد کردن ماشین دولتی و ایجاد نهادهای دموکراتیک کارگری به جای آن خرابه هاست. مسئله اینجاست: آیا باید صرفاً دولت به مثابه ابزار اعمال دیکتاتوری طبقه نابود شود یا به عنوان سیستم مبتنی بر کارمزدی؟ اگر سیستم همچنان به کارکرد خود ادامه دهد آیا امکان بازتولید ارگانها و نهادهای غارتگر و استثمارگر وجود دارد یا نه؟

جواب سوال فوق هرچه باشد می تواند ما را در درک ماهیت جنبشی که هم اینک پرچم مبارزات ضد دیکتاتوری و فساد دولتی خود را برافراشته یاری کند و نیز چگونگی برخورد، نزدیکی و یا فاصله گیری از آن را بنمایاند.

جنبش جاری اگر به واقع در پی نابودی سیستمی که بازداشتگاههایی از قماش کهریزک تولید می کند و در زندانهایش قتل و تجاوز امری عادی است، نباشد و صرفاً در پی تغییر دولتمردان بوده و تعویض مقام های قضایی و سیاسی را دستاوردی روبه جلو تلقی کند، و راهیایی چند زن را به جمع وزرا جشن بگیرد، بلاتردید هیچ دستاورد مثبتی به نفع دموکراسی و عدالت واقعی نخواهد داشت. جنبشی که لبه تیز حملات خود را از سیستم به سوی افراد منحرف کرده، با خاک پاشیدن به چشم اقشار و طبقات تحت استثمار آنها را هم به انحراف خواهد کشید. بعضی ها جابه جایی ظریفی در این قضیه انجام می دهند. آنها چنین عنوان می کنند که دولت و نهادهای دولتی بخودی خود نه خوب اند و نه بد. این آدمها هستند که آن را خوب و یا بد می کنند و مثال می آورند اگر نفس وجود دولت بد است چرا مثلاً در بسیاری از کشورهای دموکراتیک از این جنایات خبری نیست و یا چنانچه در آن کشورها احیاناً افراد منحرف و بیمار که حقوق مردم را پایمال می کنند پیدا شوند فوراً از سوی ارگانهای ناظر و مسئول کشف و ریشه کن می شوند. اینان از این مقدمه نتیجه می گیرند اگر جابه جایی در مقام ولایت فقیهی انجام شود و به جای هیت وزیران کنونی هیئت وزیران از اصلاح طلبان بر سر کار بیاید همه مسائل بطور اتوماتیک حل خواهد شد. یکی از نقض های دم دست و اثبات شده این ادعا ارجاع صاحبان این اندیشه به چند سال قبل است که همین آقایان مورد نظر دولت و مجلس را در اختیار داشتند و عملاً تمام بافته هایشان یک شبه دود شد و به هوا رفت.

حالا بیایید فرض کنیم این آقایان تغییر کرده اند و همان آدمهای چند سال قبل نیستند. بحثی در اصل موضوع نیست و همه می توانند تغییر کنند. مسئله اما نشان دادن حداقل علایمی از این تغییرات در گفتار و ادبیات مبارزاتی است. تغییرات باید در ارائه برنامه های روشن و عملی برای اصلاح سیستم دولتی باشد.

در دنیا سراغ نداریم دیکتاتور یا نظام های دیکتاتوری را که قبل از رسیدن به قدرت اعلام کنند که قصد اعمال دیکتاتوری و سرکوب مردم و استثمار و غارت ثروت های اجتماعی را دارند. همه دیکتاتورها با وعده و وعید و حتا بعضی ها با مبارزات مردمی به قدرت رسیده اند اما بلافاصله تغییر روش داده اند. در حقیقت دولت دیکتاتور را سیستم طبقاتی و ملزومات گریز ناپذیر مبارزه طبقاتی برپا می کند و در مقابل همین دولتها به تداوم و تعمیق نظام طبقاتی با استفاده از انواع شیوه ها و روشها مساعدت می کنند. عکس این قضیه هم صادق است. دولتهای آزادی و عدالت گستر را سیستم مبتنی بر حاکمیت واقعی مردم بر تولید نغم مادی و روابط معین اجتماعی که راههای غارت ارزش اضافی تولید شده را از سوی دولتمردان - هرچند منتخب - سد کند، برپا خواهد کرد.

حال بیایید بار دیگر فرض کنیم خود شما - خواننده این نوشته که فکر می کنید سوسیالیست، کمونیست، رادیکال و ... هستید - زمام امور را در یکی از بخش های اجرایی این دولت بدست گرفتید. درست از همان لحظه ای که میز ریاست را اشغال می کنید با گزینه های مشخصی روبرو می شوید. یا باید به خواست های آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم پاسخ مثبت بدهید که در آن صورت با کلیت یک طبقه در خواهید افتاد و یا به اعمال زور و فشار و سرکوب مردم متوسل می شوید که در این صورت نه تنها تفاوتی با حاکمان قبلی نخواهید داشت بلکه به مصداق مثل معروف "هرکه با چراغ آید گزیده تر برد کالا" از حاکمان قبلی هم بدتر عمل خواهید کرد.

با این توضیحات به نظر می رسد با توجه به حقایق تاریخی و منطقه ای، دل بستن به اصلاحات غیر ساختاری و فرا سیستمی که اصطلاحاً اصلاحات از بالا خوانده می شود نتیجه ای در بر نخواهد داشت. اما در عین حال با پا پس کشیدن و خالی کردن صحنه برای کسانی که اصلاح امور و مبارزه برای دموکراسی را ارت پدری خود می دانند، نمی توان کاری از پیش برد. تنزه طلبی و قهر با مردمی که هزار و یک نوع بدبختی و مشکل دارند و برای حل هرکدام از آنها به طریقی عمل می کنند که شاید بسیاری از ما آن را نپسندیم و با اصول ما جور در نیاید، فایده ای نخواهد داشت و در عمل به انزوای خود ما و به تبع به نقی رذن های روشنفکرانه منجر خواهد شد. مردم نشان داده اند که اعتنایی به وعده های سرخرمن روشنفکران و دانشمندان پیشگو و برج عاج نشین نمی کنند. چاره کار متشکل شدن، متشکل کردن و ایجاد وحدت برای تدارک ایجاد تغییرات در سیستم مبتنی بر غارت است. در این مبارزه اقلیت کوچکی از انقلابیون نمی توانند و نباید به نیابت از کارگران و زحمتکشانشان در اندیشه تسخیر قدرت دولتی باشند و به آنها به مثابه سربازانی برای کسب قدرت نگاه کنند. با این نگرش آنها حتا در صورت کسب قدرت تنها خواهند توانست دیکتاتورهای پرولتر را حاکم خواهند کرد و نه دیکتاتوری پرولتاریا (حاکمیت اکثریت) را! شکی نیست حتا با خرد کردن دولت اگر مردم بر سرنوشت خود حاکم نشوند در بر همین پاشنه خواهد چرخید. بالا پایین اش تفاوت اساسی نخواهد داشت.

س.شایان - شهریور 1388

انتشار از «ندای سرخ» وابسته به گروه «پسوی انقلاب»

سرنگون باد حکومت جمهوری اسلامی
نان، مسکن، آزادی - جمهوری شورایی